

# سالی که از «دیدار» گذشت

مروری بر سه نشست از سلسله نشست‌های غرفه‌ی دیدار  
در نمایشگاه کتاب ۲۲

## باران سنابادی

خانه‌ی کتاب چند سالی است در حاشیه‌ی نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، اقدام به برگزاری نشست‌های تخصصی در حوزه‌های مختلف، در بخش‌هایی چون سرای اهل قلم، سرای اهل قلم کودک و نوجوان و غرفه‌ی برگزیدگان جشنواره‌های فرهنگی (دیدار) کرده است. آنچه می‌خوانید گزارشی از سه نشست تخصصی است که در بیست و دومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در غرفه‌ی دیدار برگزار شد و پس از یک سال، تنها به بهانه‌ی برگزاری نمایشگاه بیست و سوم، به بازنگری آن‌ها می‌پردازیم.

نشست بررسی مجموعه شعر «آی زنگوله آی زنگوله» اثر افسانه شعبان‌نژاد، یکی از نشست‌های غرفه‌ی دیدار در سال گذشته بود که با حضور شاعر، شکوه قاسم‌نیا و جعفر ابراهیمی برگزار شد. شعبان‌نژاد در این نشست درباره‌ی کتاب گفت: «مجموعه‌ی «آی زنگوله آی زنگوله» یکی از کارهایی است که برای خردسالان انجام داده‌ام و جمع‌آوری و ارائه‌ی آن بیش از یک سال به طول انجامید. شعرهای این مجموعه حاصل جلساتی است که آقای رحماندوست، با حضور نویسندگان، شاعران، نمایشنامه‌نویسان و تصویرگران مختلف برگزار کردند.»

وی افزود: «در بعضی از شعرهای این مجموعه به ترانه‌های فولکلور و ادبیات عامیانه توجه داشته‌ام و از ترانه‌هایی که در دوران کودکی می‌شنیدم و از آن‌ها لذت می‌بردم، استفاده کرده‌ام. برای مثال «آی زنگوله آی زنگوله» نام یک بازی بوده است و یکی از شعرها، «دیشب که باران آمد» بر اساس یک ترانه‌ی قدیمی است که آن‌را برای کودکان و خردسالان تغییر داده‌ام. به نظر من شعرهایی که نگاهی به ادبیات عامیانه دارند، شعرهای موفقی برای خردسالان بوده‌اند. تجربه نشان داده که این آثار بیشتر مورد توجه بچه‌ها قرار می‌گیرند. برای نمونه در سه مجموعه‌ی بازی، شعر، و نمایش من، که از کارهای تلفیقی هستند، از شعرها و بازی‌هایی استفاده شده که در ادبیات فولکلور وجود دارد و یکی از این کتاب‌ها سال گذشته موفق شد جایزه‌ی افق‌های تازه‌ی «بلونیا» را دریافت کند که علاوه بر تصویرگری، توجه نویسنده به ادبیات فولکلور یکی از دلایل موفقیت آن عنوان شده است.»

جعفر ابراهیمی شاعر و نویسنده‌ی کودک و نوجوان نیز پس از اشاره به جایگاه شعر خردسال در نشریات کودک و نوجوان، درباره‌ی کتاب «آی زنگوله آی زنگوله» اظهار داشت: «من معتقدم که این کتاب بیش‌تر برای گروه سنی «الف» و «ب» مناسب است تا خردسالان؛ هرچند که اگر بعضی از این شعرها را برای خردسالان



جعفر ابراهیمی

بخوانیم، ممکن است با آن ارتباط برقرار کنند، ولی محتوای کتاب و زبان آن بیش‌تر برای کلاس اول و دوم دبستان مناسب است. این کتاب از جمله کتاب‌هایی است که از نظر زبان و سادگی موضوعات یک‌دست است و استفاده از بازی‌ها و موضوعات عامیانه، شعرها را به شعر خردسالان گرایش می‌دهد؛ ولی در تحلیل کلی، زبان و موضوع شعرها بیش‌تر برای گروه سنی «الف» و «ب» مناسب است.»

وی ادامه داد: «من در جشنواره‌ی «پروین» یکی از داورها بودم و این کتاب، آن‌جا انتخاب شد؛ البته کار خانم قاسم‌نیا را در بخش خردسال و کار خانم شعبان‌نژاد را در بخش کودک انتخاب کردیم. هرچند که خانم شعبان‌نژاد، در حوزه‌ی شعر خردسال، آثار موفق بسیاری منتشر کرده‌اند؛ بحث ما درباره‌ی کتاب «آی زنگوله آی زنگوله» است که هم در جشنواره‌ی «پروین» و هم در کتاب‌سال به‌عنوان کتاب برگزیده‌ی سال ارشاد انتخاب شده است. از نظر من، مجموعه‌های شعر کودک، خیلی یک‌دست نیستند و بسیاری از شعرها در آن‌ها، ممکن است به گروه‌های سنی بالاتر یا پایین‌تر گرایش داشته باشند؛ گویی گروه سنی خیلی رعایت نمی‌شود. یک شعر برای پنجم دبستان مناسب است، دیگری برای اول راهنمایی، یکی برای اول دبستان. ولی این کتاب یکی از کتاب‌هایی است که شعرهایش صرفاً برای کلاس اول یا نهایتاً دوم مناسب است؛ در عین حال که گروه‌های سنی دیگر هم می‌توانند از آن‌ها استفاده کنند.»

ابراهیمی همچنین گفت: «بسیاری از شعرهای این کتاب را می‌توان برای خردسالان خواند؛ همچنین می‌توانیم آن‌ها را به‌صورت محاوره‌ای بخوانیم. شعرهای کتاب به‌صورت زبان رسمی نوشته شده؛ ولی در بعضی شعرها بهتر است زبان محاوره‌ای باشد، درست در شعرهایی که گرایش بیشتری به بخش خردسالان دارند. برای مثال «فرفره‌ی قشنگ من پیچ می‌خورد تاب می‌خورد/ سر به هوا دور خودش می‌چرخد آفتاب می‌خورد» اگر این‌طور خوانده شود، هم خردسالی می‌شود و هم بچه‌ها بیشتر خوش‌شان می‌آید: «فرفره‌ی قشنگ من پیچ می‌خورد تاب می‌خورد/ سر به هوا دور خودش می‌چرخد آفتاب می‌خورد/ با حوصله دور حیاط چپ می‌ره و راست می‌ره/ خوشحال و شاد و بی‌صدا هرجا دلش خواست می‌ره» و شاید این نوع نوشتن باعث شده است که سن شعر کمی بالا برود، یعنی کلاس اول و دوم؛ چون اگر به‌صورت محاوره چاپ می‌شد، می‌توانستیم با اطمینان بگوییم که شعر خردسال است؛ ولی به نظر من گروه سنی «الف» و «ب» نیز می‌توانند از این کتاب استفاده کنند و پدر و مادرها می‌توانند حین خواندن آن، از روش محاوره‌ای استفاده کنند.»

بابک نیک‌طلب



ابراهیمی تأکید کرد: «زمانی که در کارگاه آقای رحماندوست کار می‌کردیم، هدف کارگاه، شعر خردسالان بود؛ ولی چیزی که به‌رحال به‌وجود آمد، به نظر من بسیار کودکانه است. اتفاقاً در سال‌های اخیر، کتاب‌های خوب برای کودکان بسیار کم‌شمارند. حجم کارهای خردسال نسبت به گذشته بیشتر شده و کار نوجوان نیز همیشه پربار بوده است؛ ولی ادبیات کودکان که در یک دوره بسیار خوب کار می‌شد، چند سالی است که به فراموشی سپرده شده و شعری که برای بچه‌های کلاس اول و دوم و سوم باشد، بسیار اندک است.»

وی همچنین گفت: «شعرهای این کتاب موضوعات متنوعی دارد، همچنین از عناصری در شعر استفاده شده که هم جنبه‌ی بازی داشته و هم در زندگی بچه‌ها حضور داشته باشند و در واقع، حس کودکان و بیان آن عناصر و بازی‌ها توسط شعر به‌خوبی بیان شده است. برای مثال در شعر «لی لی حوضک»: «شب شد و ماه یواشکی افتاد تو حوضک/ این یکی گفت قشنگ است/ این یکی گفت سبزه نقره‌رنگ است». البته اینجا کاملاً مشخص است که «است»‌ها بعداً اضافه شده‌اند. یکی دیگر از محاسن این کتاب آن است که هم شعر، هم بازی، هم خواندن‌ها در شعر خیلی خوب جا افتاده و در پایان هر شعر نیز یک نتیجه‌گیری شعری خوب وجود دارد. یعنی اوج شعر را می‌توان به‌خوبی در شعرها احساس کرد. ضمن این‌که با این شعرها می‌توان بازی کرد؛ بازی‌هایی که بچه‌ها دور هم بنشینند و بخوانند. همچنین شعرها می‌توانند دست‌مایه‌ی بازی‌هایی باشند که خود بچه‌ها اختراع می‌کنند.»



این نویسنده در انتها به خواندن شعر «دیشب که باران آمد» پرداخت و در ادامه گفت: «این شعر یکی از شعرهایی است که ضمن این که برای خردسالان نوشته شده است، شبیه شعرهای مهمل نیز هست، همچنین نوعی بازی را می‌توان در آن یافت و شعر نیز هست. به نظر من خانم شعبان‌نژاد با یک تیر چند نشانه زده‌اند و توانسته‌اند در شعرها، از عناصر عامیانه و بازی‌ها به نحو احسن استفاده کنند. تصویرگری خوب کتاب نیز در موفقیت کتاب بسیار مؤثر است. ضمن این که صفحه‌آرایی، نوع حروف به کار رفته و به طور کلی طراحی کتاب مناسب بوده و همه این‌ها سبب شده از کتاب‌های موفق کودک در سال‌های اخیر به شمار آید.»

شکوه قاسم‌نیا شاعر و نویسنده‌ی کودک نیز در این نشست اظهار داشت: «اگر شعر «باران» و «لی‌لی حوضک»، از این مجموعه به مجموعه‌ی دیگری منتقل می‌شد؛ می‌توانستیم یک کتاب بسیار یک‌دست و مناسب برای بچه‌های سال‌های اول و دوم دبستان داشته باشیم. این شعرها از لحاظ ریتم، فرم و پرداخت، شعرهای بسیار خوبی هستند که می‌توانست در کنار شعرهای دیگری که خانم شعبان‌نژاد با الهام از آثار فولکلور سروده‌اند، در مجموعه‌ی دیگری ارایه شود و مفیدتر باشد؛ ولی در این کتاب اگر این دو شعر را کنار بگذاریم، مجموعه هم از نظر موضوعی، هم از نظر سنی و هم از نظر زبانی یک‌دست‌تر خواهد بود. به جز این دو شعر، زبان و وزن همه‌ی شعرها یک‌دست و متناسب با هم و با موضوعات است. رشته‌ی پیونددهنده‌ی موضوعاتی که انتخاب شده است نیز، بیش‌تر بازی، طبیعت و بازی بچه‌ها در طبیعت است. نوعی تامل کودکانه‌ی شاعرانه نیز در بعضی از تصاویر از لحظه‌های زندگی بچه‌ها هست که بسیار زیباست و سالم و ساده گفته شده است. برای مثال «فره‌ی سر به هوا» یک بازی است. یک توجه شیرین و کودکانه به یک چرخش. این تصویر می‌توانست خیلی عادی دیده شود؛ ولی ظرایف آن از نگاه



شکوه قاسم‌نیا

یک کودک گفته شده و با زبان شاعرانه‌ی مناسبی ارائه شده است.»  
وی در انتها به آموزش نگاه متفاوت به کودکان، تأثیرات روان‌شناختی بازی‌های شاعرانه و استفاده از عناصر طبیعی و همچنین روزمره در شعرهای «کلاغ غصه‌دار»، «مثل ماه»، «طوفان»، «بادبادک من»، «روح و درخت» و «الاکلنگ» اشاره کرد.

در ادامه‌ی جلسه ابراهیمی خاطرنشان کرد: «نکته‌ی مهمی که در اکثر شعرها وجود دارد و شاید خود خانم شعبان‌نژاد هم از آن غافل بوده‌اند و حضور آن در شعرها به توانایی‌های شاعر برمی‌گردد، این است که اکثر شعرهای این مجموعه وزن‌های شادی دارند که این خود به خاطر موضوع بازی‌ها و شاد بودن شعرهاست؛ ولی از نظر فرمی، استفاده از هجاهای بلند در شعرها دلیل به وجود آمدن این وزن شاد است. شکی نیست که حضور این هجاهای بلند آگاهانه هم نبوده و حضور آن‌ها صرفاً به تئانی‌ی شاعر بازمی‌گردد. در بیشتر شعرهای این کتاب از هجاهای بلند استفاده شده و این باعث شده است جنبه‌ی موسیقایی شعرها بالاتر رود. چون این هجاهای بلند می‌تواند غنای بیشتری به موسیقی شعر بدهد.»

سید علی کاشفی خوانساری



«گرگ‌ها از برف نمی‌ترسند» نام کتاب دیگری است که در غرفه‌ی دیدار نمایشگاه کتاب ۲۲ به بحث و بررسی گذاشته شد. در نشست بررسی این کتاب که محمدرضا بایرامی، مولف کتاب، حمید بابوند، خبرنگار و منتقد و سیدعلی کاشفی خوانساری، روزنامه‌نگار حضور داشتند، بایرامی در پاسخ به سوال کاشفی درباره‌ی امکان تغییر فضای داستان‌هایش گفت: «در واقع ممکن است این کار آخرین من باشد که در چنین فضایی نوشته می‌شود و می‌توانم بگویم با این داستان، پرونده‌ی گرگ‌ها در آثار من تکمیل و بسته شد. البته فضای کلی این داستان از دیگر آثار من متفاوت است. برای مثال حس نوستالژیکی که در دیگر داستان‌های من نسبت به روستا احساس می‌شود، در این‌جا به هیچ‌وجه وجود ندارد. تمام امید و آرزوی انسان در این داستان این است که به ۱۸ سالگی برسد و از این روستای متروک و نکبت پای کوه که هیچ چشم‌اندازی هم ندارد، برود. گرگ‌ها نیز در این‌جا فقط نماد تهدید دائمی برخاسته از طبیعت پیرامون روستاهای آذربایجان‌اند و نه عناصر منفور.»

وی ادامه داد: «این داستان بر اساس زلزله‌ای نوشته شده است که در سال ۷۵ در اردبیل ۱۱۰۰ نفر کشته داد و در نتیجه آن حدود صد روستا کاملاً ویران شدند. ضمن این حادثه، اتفاقاتی افتاد که برای یک داستان‌نویس، بسیار مغتنم بود؛ از جمله بارش شدید برف و حمله‌ی گرگ‌ها به جنازه‌ها و احشام مرده. این حادثه باعث

شد من بار دیگر در چنین فضایی بنویسم و فرصتی بود برای این که بتوانم مفاهیمی چون عدل الهی، تقدیر، موقعیت انسان‌ها در مواجهه با مصائب، تحمل و تسلیم را برای نوجوانان بیان کنم. البته این که بیان این مفاهیم برای نوجوان تبدیل به مباحث سنگین نشود و برای مخاطب آزردهنده نباشد، کار بسیار مشکلی بود.»

بایرامی در ادامه ضمن پاسخ به سوال یکی از حاضران مبنی بر دلیل پررنگ بودن برخی سطور در متن داستان، با تاکید بر این که عموماً طراحی کاملی برای جزئیات داستان‌هایش صورت نمی‌دهد، گفت: «من هیچ‌گاه ظاهر کار را فدای باطن آن نمی‌کنم؛ ولی به‌طور طبیعی وقتی نویسنده با یک داستان زندگی می‌کند، همه چیز معنا می‌یابد و در جای خود می‌نشیند. در واقع سهم نویسنده و لذت او در این است که جایی، چیزی، دستش را بگیرد. چیزی که گاه به آن الهام می‌گویند و گاه کشف و شهود. این اتفاق برای نویسنده جذاب است که در یک لحظه‌ی خاص چیزی به ذهنش می‌رسد که بسیار مناسب است و بعید می‌دانم امکان‌پذیر باشد که بتوان از پیش چنین ذهنیاتی را طراحی کرد.»

وی همچنین درباره‌ی امکان شهری شدن فضای داستان‌هایش توضیح داد: «این که در یک نویسنده تغییراتی روی می‌دهد، به این معنی نیست که اگر تاکنون در فضای طبیعت می‌نوشتی، پس از این داستان‌های شهری بنویسد. من فکر می‌کنم اگر جنگ هم در دل طبیعت روی نمی‌داد، من هیچ‌گاه داستان جنگی نمی‌نوشتم. یکی از دلایل نوشتن کار جنگی برای من، وجود جنگ در طبیعت بود.»

بایرامی سپس درباره‌ی پرسش یکی از حاضران مبنی بر میزان ارزش اثری سفارشی برای کودک و نوجوان، توضیح داد: «سفارشی که ملاحظاتی در آن وجود داشته باشد، سفارش به معنای عام و سفارش به خود، می‌تواند در ادبیات کودک جای داشته باشد و فکر می‌کنم من به همین دلیل با وجود تلاشی که از سال ۶۵ داشته‌ام، هیچ‌گاه نتوانستم کار کودک بنویسم و همیشه از نظر من نوعی سفارشی نوشتن بوده و به نوعی مانع خلاقیت. حین چنین کاری به

جایی می‌رسید که مرز بین هنر و ابتذال است - ابتذال به معنی پیش‌پاافتاده بودن - و کار مخدوش می‌شود. من دلم می‌خواست به‌عنوان نویسنده، کار هنری انجام بدهم، ادبیات بنویسم و ادبیاتم خلاقانه باشد؛ ولی دیدم که بیشتر اوقات، این خلاقیت در کار کودک جایی ندارد. درباره‌ی تقسیم ادبیات نوجوان و بزرگسال نیز، از آن‌جا که من یک نویسنده‌ی تجربی هستم و بیشتر کارهایم از خاطرات الهام می‌گیرد و از فضاهای محسوس و ملموس می‌نویسم و این فضاها نیز بیشتر اوقات سانتی‌مانتال و آنچنانی نبوده، وقتی کار را می‌نویسم، اگر احساس کنم بیشتر مولفه‌هایی دارد که نمی‌توان آن‌را در گروه نوجوان جای داد، آن کار را بزرگسال تلقی می‌کنم. تفاوت این دو همان ملاحظاتی است که این‌جا دیگر به معنی سفارش نیستند. برای مثال تلخی بیش از حد را در کار نوجوان جایز نمی‌دانیم. زیرا نوجوان در مرحله‌ای است که شخصیتش در حال شکل گرفتن است و می‌خواهد آینده‌ای را بسازد و همه دوست دارند که آینده‌ای با ثبات و توأم با امیدواری باشد. پس ترجیح ما این است که از نامالیماتی که ممکن است تجربی هم باشد و فضای اطرافمان را نیز پر کرده باشد، برای او نگوییم یا اگر گفتیم روزنه‌های امید را نبندیم. این‌ها ملاحظاتی هستند که ممکن است در یک کار وجود داشته باشد و آن‌را به‌سمت نوجوان ببرد. بعضی از مسائل هست که من احساس می‌کنم نمی‌توانم برای نوجوان بگویم و تنها در این مرحله به سمت ادبیات بزرگسال می‌روم.»

\* \* \*

نشست بررسی مجموعه شعر «کفش‌های پولکی» اثر شکوه قاسم‌نیا را با حضور شاعر، جعفر ابراهیمی و بابک نیک‌طلب یکی دیگر از برنامه‌هایی بود که در غرفه‌ی دیدار نمایشگاه کتاب سال گذشته برگزار شد.

قاسم‌نیا در ابتدای این جلسه سخنان خود را با بحث کلی درباره‌ی شعر خردسال آغاز کرد و با اشاره به دریافت جایزه‌ی این مجموعه در جشنواره‌ی «پروین» و چند جشنواره‌ی دیگر گفت: «شرطی که من برای شعر خردسال قائل هستم به عرصه‌ی ظهور رسیده است. ما از اوایل انقلاب، با دوستان پیش‌کسوت از جمله آقای ابراهیمی، رحمان‌دوست، نیکخواه و دیگران، بحثی

را تحت عنوان شاخه‌ای از شعر کودک آغاز کردیم. آن زمان، ما به یک شاخه‌ی باریک‌تر و ظریف‌تر از چیزی که شعر نوجوان در تعریف آن قرار می‌گیرد، فکر کردیم به اسم شعر کودک؛ که مخاطبان دبستانی را پوشش می‌دهد. البته قبل



افسانه شعبان‌نژاد

محمدرضا بایرامی



از ما، بزرگان دیگری در زمینه شعر، از جمله آقای کیانوش این کار را شروع کرده بودند؛ ولی این کارها بیشتر در حوزه‌ی نوجوان بود و زمانه هم بیش‌تر به آن سمت گرایش داشت. ما با متمرکز شدن بر بحث شعر کودک توانستیم به نکات و قواعدی در این شاخه دست پیدا کنیم که حاصل آن سیاه‌مشق‌هایی بود که بعضی از آن‌ها به مشق‌های اصلی رسید و بعضی‌ها نرسید. به هر حال تجربیاتی اندوخته شد که این تجربیات در شعرهای ما ارائه شدند و به‌وسیله‌ی جوان‌ترهای آن دوران، از جمله آقای نیک‌طلب ادامه یافت و به استحکام بیشتری رسید.»

وی ادامه داد: «پس از شکل‌گیری این جریان، من و چند تن از دوستانم به این فکر افتادیم که روی شاخه‌ای باز هم ظریف‌تر، کار کنیم که در واقع شعر خردسال نام داشت که از شعر کودک متفاوت است. شعر کودک، در واقع بچه‌هایی را دربر می‌گرفت که به مدرسه رفته‌اند و تا حدی از زبان گفتاری فاصله گرفته‌اند و با مفاهیم آموزشی بیش‌تری آشنا شده‌اند و بنا بر اصول روان‌شناسی کودک، در این سنین کودک تقریباً شکل گرفته و با دنیای خارج از خانه ارتباط برقرار کرده است و موضوعات برای او متنوع‌تر می‌شوند و دست شاعر نیز بازتر است. درباره‌ی شعر خردسال، ما به این نتایج رسیدیم که فضای این شعر از طرفی محدود و مقید است به کلمات، واژه‌ها، مفاهیم و موضوعاتی که می‌تواند در شعر مطرح شود و از طرفی حس خاصی را می‌طلبد که برعکس موضوع و کلمات، فضای بازتر و وسیع‌تری را در اختیار شاعر قرار می‌دهد و این دو خصیصه در نقطه‌ی مقابل هم قرار می‌گرفتند. این جریان منجر شد به این که تجربه‌هایی در این زمینه داشته باشیم و من که شخصا به کار برای این گروه سنی علاقمند بودم، کار را برای خود تخصصی‌تر دیدم و روی آن متمرکز شدم که حاصلش شعرهایی شد که سال‌ها پیش در مجله‌ی «گلک» که ویژه‌ی خردسال بود، چاپ می‌کردیم. شعرهای مجموعه‌ی «کفش‌های پولکی» نیز از جمله شعرهای آن دوره هستند که فکر می‌کردم به ایده‌آل شعر خردسالی که در ذهن دارم نزدیک‌تر هستند؛ و البته هنوز با انطباق کامل فاصله دارند. من سعی کرده‌ام در شعرهای این مجموعه از زبان ساده و وزن ریتمیک و شاد استفاده کنم و همچنین از کلماتی که نزدیک به کلمات گفتاری خردسالان است.»

جعفر ابراهیمی نیز در این جلسه سخنانش را با سخنی از نهج‌البلاغه آغاز کرد که حضرت علی (ع) در آن به آفرینش مورچه و فیل اشاره می‌کند و به این که آفرینش موجود بزرگی چون فیل و موجود کوچکی چون مورچه، چندان تفاوتی با یکدیگر نداشته و چه بسا آفرینش جزئیات در یک موجود کوچک به مراتب دشوارتر باشد. وی سپس گفت: «در ادبیات نیز چنین است و بسیاری گمان می‌کنند نوشتن برای کودکان و به‌ویژه خردسالان راحت است؛ زیرا هیچ‌گاه از آن‌ها اجازه نمی‌گیرند و نظر آن‌ها را نمی‌پرسند. به نظر مردم، این‌ها قشری از انسان‌های کوچک هستند که می‌توان هر بلایی بر سرشان آورد. در مورد کتاب نیز هر کسی خود را محق می‌داند که درباره‌ی ادبیات کودکان و خردسالان بنویسد و بازار کتاب انباشته است از کتاب‌هایی که برای خردسالان چاپ می‌شوند؛ درحالی که شاید ۹۵ درصد آن‌ها دورریختنی هستند و با نگاه خوشبینانه می‌توان گفت تأثیری بر کودکان ندارند؛ البته اگر تأثیرات مخرب و بدآموزی نداشته باشند.»

وی افزود: «چون این شعرها راحت خوانده می‌شوند، خواننده گمان می‌کند که راحت هم نوشته می‌شوند؛ ولی وقتی وارد عمل می‌شویم می‌بینیم که هرچه گروه سنی شعر پایین‌تر می‌آید، محدودیت‌ها بیشتر می‌شود و علاوه بر آن باید دنیای خاص این گروه سنی را بشناسیم و این کار هرکسی نیست.»

ابراهیمی سپس درباره‌ی کتاب «کفش‌های پولکی» اظهار داشت: «یکی از محاسن این کتاب، انسجام آن از نظر موضوعی است. خانم قاسم‌نیا چند حیوان را در نظر گرفته‌اند که در شعرها به همراه عناصری از زندگی مانند آینه معرفی می‌شوند. ایشان سعی کرده‌اند وارد دنیای خردسالان شوند و از زاویه‌ی دید آن‌ها موضوعات را بیان کنند، که بسیار ساده و ملموس است. در عین حال ظاهر کتاب شامل نقاشی‌ها، صفحه‌آرایی، رنگ‌های به کار رفته و سفیدخوانی‌ها دست به دست هم داده و یک کتاب موفق را به وجود آورده‌اند.»

بابک نیک‌طلب نیز در ادامه‌ی این نشست گفت: «اگر ما گستره‌ی ادبیات فارسی را از هزارسال پیش تا امروز بررسی کنیم، خواهیم دید که قالب‌ها و شکل‌های مختلفی برای عرضه‌ی آثار هنری در ادبیات فارسی نمود پیدا کرده‌اند و آن‌چه در این سال‌ها مغفول مانده و به آن توجهی نشده، ادبیات کودک بوده است. البته در دهه‌های اخیر با همت ادیبان، شاعران و مسوولان امر تعلیم و تربیت، به این بخش توجه شده است که هنوز در کودکی خود به سر می‌برد و ما هنوز در برابر هزار سال ادبیات فارسی که در جهان به عنوان نمونه‌ی اعلا‌ی ادبیات مطرح است، کودک هستیم.»

نیک‌طلب همچنین گفت: «توجه خانم قاسم‌نیا به ادبیات خردسال، در بین شاعران کودکان و نوجوانان بی‌نظیر بوده و فکر می‌کنم اولین شخصیتی که وارد ادبیات خردسال شده و روی زبان و ادبیات خردسال، به معنی واقعی کلمه کار کرده، ایشان بوده است.»